

اولیای دم الهه حسین‌نژاد باید دیه قاتل را پرداخت کنند؟

17 خرداد 1404

پرونده قتل مرحوم "الهه حسین‌نژاد" که اخیراً در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بازتاب گسترده‌ای داشته، بار دیگر موضوع تفاوت دیه زن و مرد، امکان اجرای قصاص از بیت‌المال، و تحلیل‌های حقوقی مربوط به قتل عمد را در کانون توجه افکار عمومی قرار داده است. امیرعلی صفایی‌زاده، وکیل و حقوقدان، در گفت‌وگویی با ما، به بررسی ابعاد حقوقی این پرونده پرداخته و بر لزوم رعایت دقیق حقوق متهم در کنار حساسیت افکار عمومی تأکید کرده است.

وی در توضیح ابعاد حقوقی قتل زنان در نظام کیفری ایران گفت: بر اساس ماده 382 قانون مجازات، در صورتی که مردی عمداً زنی را به قتل برساند، اولیای دم زن برای اجرای قصاص باید نصف دیه کامل مرد را به قاتل یا ورثه او پرداخت کنند.

وی افزود: همچنین، ماده 428 قانون مجازات اسلامی راه‌حلی برای کاهش این بار مالی ارائه کرده است. طبق این ماده، در مواردی که جنایت نظم و امنیت عمومی را برهم زند یا احساسات عمومی را جریحه‌دار کند و مصلحت در اجرای قصاص باشد، اگر اولیای دم توان پرداخت فاضل دیه را نداشته باشند، با تشخیص رئیس قوه قضاییه، این مبلغ از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

این وکیل دادگستری ادامه داد: در رویه قضایی ایران، به‌ویژه در پرونده‌های جنجالی مانند قتل مونا حیدری (دختر 17 ساله اهوازی در سال 1400)، دیده شده که در صورت جریحه‌دار شدن احساسات عمومی، دادگاه‌ها با استناد به ماده 428 و با هماهنگی قوه قضاییه، تفاضل دیه را از بیت‌المال تأمین کرده‌اند تا قصاص اجرا شود. این راه‌حل به‌ویژه در مواردی که افکار عمومی به شدت تحت تأثیر قرار گرفته، مانند قتل‌های ناموسی یا جنایات با پوشش رسانه‌ای گسترده، اعمال شده است.

صفایی‌زاده با اشاره به تبصره ماده 551 قانون مجازات اسلامی گفت: این تبصره پیش‌بینی کرده که در جنایات عمدی، تفاوت دیه زن و مرد از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت شود، که این نیز می‌تواند در مواردی به کاهش بار مالی اولیای دم کمک کند.

وی در ادامه، به شرایط اثبات قتل عمدی در قانون ایران اشاره کرد و گفت: بر اساس ماده 290 قانون مجازات اسلامی، قتل عمدی در سه حالت احراز می‌شود: (1) قاتل قصد کشتن داشته باشد، (2) فعل قاتل نوعاً کشنده باشد حتی اگر قصد قتل نداشته باشد، (3) قاتل قصد فعل نوعاً کشنده را داشته و عمل منجر به قتل شود.



وی افزود: ادعای فقدان قصد قتل توسط قاتل در دادگاه قابل طرح است، اما اثبات آن دشوار است و به ادله قوی نیاز دارد. اگر قاتل بتواند ثابت کند که نه قصد قتل داشته و نه عملش نوعاً کشنده بوده (مثلاً در اثر یک ضربه غیرکشنده یا تصادف غیرعمدی)، قتل می‌تواند از عمدی به شبه‌عمد یا خطای محض تبدیل شود که مجازات آن دیه و در مواردی تعزیر (حبس 3 تا 10 سال بر اساس ماده 612) است، نه قصاص.

این حقوقدان در خصوص پرونده قتل مرحوم الهه حسین‌نژاد تصریح کرد: در مورد خاص الهه حسین‌نژاد، اطلاعات موجود که تا کنون منتشر شده، ادعای فقدان قصد قتل در چنین پرونده‌هایی، به‌ویژه با توجه به شواهد احتمالی مانند نوع جنایت یا اظهارات شهود، معمولاً با چالش جدی مواجه می‌شود.

وی ادامه داد: در رویه قضایی، ادعای فقدان قصد قتل در قتل‌های جنجالی به ندرت پذیرفته شده، مگر اینکه ادله محکمی مانند گزارش پزشکی قانونی یا شهادت شاهدان، فقدان قصد یا نوعاً کشنده نبودن فعل را تأیید کند، که به نظر می‌رسد در مورد خاص فعلی به دلیل استفاده از چاقو (طبق چیزی که منتشر شده) منتفی باشد.

صفایی‌زاده در پایان تأکید کرد: البته همواره باید بدانیم رعایت کامل و مطلق و بدون قید و شرط «حقوق متهم» و حتی «حقوق مجرم» ضامن اجرای دقیق عدالت است. بنابراین هرگونه ادعای قاتل باید به صورت دقیق بررسی شود، چون مجازات قتل عمدی، غیرقابل بازگشت است و دقت کامل در این خصوص از هرگونه شبهه‌افکنی در آینده جلوگیری خواهد کرد.

*تسنیم